

ارتقای فرهنگ و آموزش عمومی برای مقابله با فساد

حمید شفیع زاده*

فساد پدیده‌ای است که تمام کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با آن دست به گریبان‌اند، اما میزان و گستردگی آن با توجه به عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مدیریتی متفاوت است. پیامدهای مخرب فساد از جمله اتلاف منابع، کاهش رشد اقتصادی، از بین رفتن عدالت اجتماعی و ... باعث توجه روزافزون به این پدیده شوم در جوامع مختلف شده است. عده‌ای بر این عقیده‌اند که اصولاً راهی برای حل مشکل فساد وجود ندارد. عده‌ای نیز اعتقاد دارند که مجازات و تنبیه عاملان فساد تنها راه حل این مشکل است. یقیناً مشکل فساد حل نخواهد شد، مگر آنکه عوامل و ریشه‌های فرهنگی بروز این پدیده زشت کشف و ریشه کن شود. با توجه به آنچه گفته شد، در این مقاله ضمن تعریف فساد و انواع آن، وضعیت مبارزه با این پدیده در کشورمان بررسی می‌شود. توضیحاتی در مورد رویکردهای پیشگیری از فساد ارائه خواهد شد و در ادامه نقش فرهنگ و آموزش عمومی در مبارزه با فساد تبیین می‌شود. در پایان نیز به برخی از راهکارهای فرهنگی در جهت پیشگیری از فساد اشاره می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فساد؛ فرهنگ؛ پیشگیری؛ آموزش عمومی؛ ارزش‌های اخلاقی؛ نظارت همگانی

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار؛

مقدمه

مطالعه تاریخ تمدن‌های باستان، بیانگر این است که فساد در جوامع بشری قدمتی به اندازه تمدن داشته و اکنون نیز یکی از مسائل مبتلابه کشورهای جهان است. فساد نابسامانی‌های بسیاری برای جوامع بشری به دنبال داشته است، جنگ‌های پی‌درپی، خشونت‌ها و قیام علیه تمدن‌های حاکم، از بین رفتن سازمان‌ها و درهم ریختن جوامع همواره از فساد نشئت گرفته است. در مجموع، فساد در کنار عوامل دیگر، از دلایل مهم فروپاشی تمدن‌ها به شمار می‌آید (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳).

فساد پدیده‌ای جهانی است که همه کشورهای جهان - از کشورهای پیشرفته تا کشورهای در حال توسعه - به آن مبتلا هستند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴). نکته مهم این است که فساد تا حد زیادی از نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی متأثر است و متقابلاً بر مشروعیت نظام سیاسی، کارایی نظام اداری و مطلوبیت نظام اجتماعی ضربات مهلکی وارد می‌آورد (خدادادحسینی و فرهادی‌نژاد، ۱۳۸۰).

نگرانی‌های ناشی از فساد باعث انجام مطالعات بسیاری در این زمینه شده است. مطالعه عوامل و پیامدهای فساد مباحث گوناگونی دارد و هریک از صاحب‌نظران از زوایای مختلفی به این بحث پرداخته‌اند. هدف نهایی تمامی این مطالعات چگونگی کنترل و کاهش فساد در جامعه بوده است. در این مقاله، نقش عواملی همچون فرهنگ و آموزش عمومی در کاهش فساد بررسی و تلاش شده است راهکارهایی با توجه به نقش این عوامل برای کاهش فساد معرفی شود.

۱ طرح مسئله

فساد پدیده جدیدی نیست. دو‌یست سال قبل یکی از مسئولان کشور هندوستان کتابی در زمینه فساد نوشته بود. همچنین دانت و شکسپیر در زمینه فساد مطالب زیادی گفته‌اند. در بسیاری از کتب و مقالات قرن‌های گذشته نیز روش‌های مبارزه با فساد به چشم می‌خورد.

طبق تعریف عمومی که در سال ۱۹۹۳ میلادی ارائه شده است، فساد عبارت است از: استفاده از اموال دولتی در جهت نفع شخصی (World Bank, 1994).

تجربه‌های به‌دست آمده از کشورهای مختلف نشانگر این است که فساد امری پیچیده، پنهان و متنوع است. از این رو، مبارزه با آن نیز باید امری مستمر، طولانی و پیچیده باشد. درحقیقت، فساد (در ابعاد اداری و ابعاد دیگر جامعه) مانند عفونت است که اگر به اندام و پیکر جامعه راه یابد، اعضای آن را یکی پس از دیگری عفونی می‌کند و از کار می‌اندازد و چه بسا گسترش این عفونت، کل پیکر جامعه را فاسد کند.

در زمینه مبارزه با فساد، اکثر صاحب‌نظران به رویکردهایی معتقدند که در آن بیشتر بر پیشگیری از بروز چنین پدیده‌ای تأکید می‌کند تا اینکه بخواهد از طریق اعمال مجازات بر کارکنان خاطی با چنین پدیده گسترده‌ای مبارزه کند. رویکرد اساسی که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد این است که به جای اتکا بر رویه‌هایی که مبتنی بر تنبیه بعد از ارتکاب فساد است، ایجاد و راه‌اندازی یک نظام پیشگیری از فساد که فرهنگ جامعه و آموزش عمومی هسته مرکزی آن است، امری ضروری است. این رویکرد اقداماتی همچون هویت‌بخشی، تثبیت نظام اجتماعی، ایجاد تعهد درونی، خودکنترلی، تثبیت شیوه‌های انگیزشی و ارائه الگوهای مناسب رفتاری که از مهم‌ترین کارکردهای فرهنگی هستند را به‌منظور ایجاد فضایی که نهی‌کننده فساد است، مورد تأکید قرار می‌دهد.

۲ فساد: مفهوم، ابعاد و نتایج

در جوامع گوناگون و برحسب نگرش‌ها و برداشت‌ها، تعاریف مختلفی از فساد به‌عمل آمده است. ریشه فساد فعل لاتین Rumper به معنای شکستن است، بنابراین در فساد چیزی می‌شکند یا نقص می‌شود. این چیز ممکن است رفتار اخلاقی یا شیوه قانونی یا غالباً مقررات اداری باشد. در واقع، فساد به تمام شکل‌های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی اطلاق می‌شود (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳).

بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل، فساد را سوءاستفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی (خصوصی) می‌دانند که این تعریف در جهان مورد توافق عمومی قرار گرفته است.

از دیدگاه دیگری، فساد عبارت است از: عمل یا تصمیمی که موجب می‌شود تا خارج از ضوابط قانونی، تعداد افراد متأثر از نتایج منفی عمل یا تصمیم، از تعداد افراد برخوردار از نتایج مثبت آن بیشتر باشد.

وجوه مشترک تمامی این تعاریف این است که در یک محیط فاسد، حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهروندان نادیده گرفته می‌شود و یا حق مسلم فرد یا گروهی به ناحق به دیگران واگذار می‌شود (فرچ‌پور، ۱۳۸۳). فساد را می‌توان به گونه‌های مختلفی تقسیم‌بندی کرد که مهم‌ترین آن عبارت است از: فساد سیاسی، فساد قانونی، فساد اداری و فساد اقتصادی (خداداد حسینی و فرهادی‌نژاد، ۱۳۸۰). از دیدگاهی دیگر می‌توان مقوله فساد را در دو سطح خرد و کلان نگریست.

فساد در سطح کلان با فساد در سطح خرد کاملاً متفاوت است؛ فساد رؤسای سازمان‌ها، وزیران و کارمندان عالی‌رتبه را فساد کلان و فساد کارمندان جزء، مثل افراد پلیس و مأموران گمرک، را فساد خرد می‌گویند. مرتکبان فساد کلان، جزو گروه مجرمان یقه‌سفید و از صاحبان زر و زور هستند و با آنکه زیان‌ها و خسارات غیرقابل جبرانی بر پیکر جامعه وارد می‌سازند، معمولاً کم‌تر تحت تعقیب دستگاه عدالت کیفری قرار می‌گیرند. این گروه با برخورداری از توان توجیه یا حمایت یا امکان فرار بیشتر از تعقیب مصون می‌مانند. کنترل فساد کلان، مقدم بر فساد خرد است. زیرا بدون کنترل فساد کلان، امیدی به حل مشکل فساد خرد نیست.

به‌طور کلی، همان‌طور که عوامل به‌وجودآورنده فساد در جامعه از گستره بالایی برخوردار است، آثار و نتایج ناشی از فساد نیز در جامعه بسیار گسترده است. فساد همچون غده‌ای سرطانی است که آسیب‌های بسیاری را بر جامعه و کشور وارد می‌آورد. صدمه

زدن بر اعتماد مردم نسبت به حکومت، ممانعت از ثبات سیاسی، اقتصادی و پیوستگی اجتماعی و ممانعت از توسعه اقتصادی کشور از طریق تخریب رقابت سالم در بازار از جمله این موارد هستند. علاوه بر آنچه اشاره شد، می‌توان موارد زیر را به‌عنوان آثار ناشی از وجود فساد در جامعه نام برد:

- تضعیف حکومت‌داری مطلوب؛
- تخریب مشروعیت حکومت و حاکمیت قانون؛
- کاهش احترام به قانون اساسی؛
- از بین رفتن شفافیت و حساب‌پس‌دهی؛
- کاهش فرصت‌های سالم پیشرفت برای افراد، مؤسسات و سازمان‌ها؛
- افزایش هزینه زندگی مردم، همچون افزایش قیمت‌ها؛
- کاهش بهره‌وری، زیرا زمان و انرژی به‌جای صرف شدن برای دستیابی به اهداف، وقف ایجاد شکاف در نظام می‌شوند؛
- خنثی کردن حرکت توسعه کشور؛
- زحمت بیهوده برای جلوگیری از شیوع فساد و شناسایی آن.

۳ فساد و برنامه‌های مقابله با آن در ایران

مقوله فساد با رویکرد دولت‌ها به سمت تسریع بهبود و توسعه کشورها مدنظر قرار گرفته و این موضوع به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار نیز بیشتر مورد توجه بوده است. بحث پیامدهای ناکارآمدی دولت‌ها در به تعویق انداختن رشد و توسعه اجتماعی، زیان‌های عظیمی به جامعه بشریت وارد کرده است و در حال حاضر اجماع کلی در میان اقتصاددانان و سیاستگذاران به وجود آمده که وجود دولتی پاک و به دور از فساد برای توسعه امری ضروری و قطعی است (World Bank, 1994).

هرچند جامعه ایران، جامعه‌ای توأم با گرایش‌های مذهبی و ملی است که همه آنها

فساد را پدیده‌ای زشت شناخته‌اند و همواره بر مبارزه با آن تأکید کرده‌اند، باین حال شاهد این هستیم که شیوع فساد در جامعه مسیر بسیاری از پیشرفت‌های اجتماعی و ملی را بسته و هزینه‌های هنگفتی را بر دوش کشور و در نهایت مردم گذاشته است که یکی از مهم‌ترین آنها در بعد کلان، افزایش فاصله طبقاتی میان طبقات اجتماعی غنی و فقیر است. افزایش این فاصله طبقاتی در کشور را می‌توان به حرکت پله‌های برقی تشبیه کرد.

عده‌ای را تجسم کنید که روی یک پله برقی که به طرف بالا می‌رود، ایستاده‌اند و به راحتی به طرف بالا (برخورداری از رفاه و فرصت‌های اجتماعی عالی) می‌روند که این پله برقی فقط برای عده معدودی از افراد جامعه است. بقیه مردم که اکثریت آن را تشکیل می‌دهند نیز می‌خواهند به آن مرتبه بالا برسند، اما راهی ندارند جز اینکه از روی پله برقی دیگری که به طرف پایین می‌آید با فعالیت و سرعت بسیار بیشتر حرکت کنند، اما هرگز به آن نمی‌رسند مگر اینکه خود را از این قاعده خارج کنند. وضع کارمندان دولت و کارگران در جامعه امروز ایران شبیه به حرکت روی پله برقی از نوع دوم است. کارمندان و کارگران با همسران و فرزندان‌شان در مقابل خود، افراد زیادی را می‌بینند که در رفاه کامل از پله‌های دستیابی به رفاه استفاده می‌کنند (محمودی، ۱۳۸۴).

جمهوری اسلامی ایران طی سالیان گذشته سیاست‌های خوبی را در راه پیشگیری و مبارزه با فساد آغاز کرده که شروع آن با فرمان هشت‌ماده‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران بوده است. از جمله نکات برجسته در این استراتژی جدید می‌توان به تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی به موجب فرمان رهبری در بالاترین سطح و با حضور سران قوای سه‌گانه کشور و سازمان‌های اصلی متولی مبارزه اشاره کرد که مسئولیت سیاست‌گذاری، ایجاد هماهنگی و پیگیری پیشبرد برنامه‌های ضدفساد را در سطح کلان کشور برعهده دارد و علاوه بر تشکیل کمیته‌های کارشناسی، جلسات آن به منظور اتخاذ تصمیمات لازم به‌طور منظم برگزار می‌شود و تصمیمات مهمی نیز در ارتباط با ترغیب دستگاه‌ها، ایجاد هماهنگی میان آنها و تهیه مقررات مورد نیاز برای پیشگیری و مبارزه با فساد اتخاذ کرده است.

علاوه بر این، برنامه‌های زیادی نیز برای مبارزه با فساد در کشور طراحی و به اجرا درآمده است. یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها، آیین‌نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی بود که توسط هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۹/۱ بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و با استناد به اصل «۱۳۸» قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تأمین اجرای وظایفی که دستگاه‌های اجرایی به موجب قوانین برای پیشگیری و مبارزه با فساد در نظام اداری برعهده دارند و همچنین تکمیل آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری و پیش‌بینی سازوکار اداری مناسب برای تسهیل خدمات‌رسانی به مردم تصویب شد. در فصل دوم این آیین‌نامه، یکی از تکالیف و وظایف دستگاه‌های اجرایی آموزش کارکنان به‌نحوی که کارکنان ذی‌ربط از مفاد این آیین‌نامه به‌طور کامل مطلع شده باشند ذکر شده است. علاوه بر این، در فصل چهارم این آیین‌نامه بر اهمیت فرهنگ‌سازی برای مقابله با فساد تأکید شده است:

«سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مکلف‌اند در جهت افزایش آگاهی عمومی مردم از قوانین و مقررات و فعالیت‌های انجام شده در جهت اصلاح روش‌های مورد عمل و جلب مشارکت مردم برای رفع معضلات موجود، برنامه‌ریزی و اصلاح برنامه‌های آموزشی معارف اسلامی (فرهنگ‌سازی) برای دانش‌آموزان، دانشجویان، کارگزاران دولت و تمام افراد جامعه به‌منظور افزایش مهارت‌های رفتاری و تغییر گرایش و نگرش ذهنی و ایجاد بسترهای مناسب فرهنگ فسادستیزی اقدامات لازم را انجام دهند». اما با وجود چنین برنامه‌هایی، موفقیت‌اندکی حاصل شده است که می‌توان دو دلیل اصلی آن را چنین ذکر کرد:

۱. تلاش‌های صورت گرفته از سوی دولت و دستگاه‌های نظارتی دیگر به‌منظور مبارزه با فساد، سیستماتیک (نظام‌دار) نبوده است. بدین معنی که هر از چند سالی با تغییر دولت‌ها

و شدت و ضعف فشارهای اجتماعی، محتوای برنامه‌ها برای مبارزه با فساد تغییر کرده و برنامه‌ها انسجام خود را برای دستیابی به هدف‌ها از دست داده‌اند.

۲. دلیل مهم دیگری که این مقاله نیز بر آن تأکید دارد این است که برنامه‌های صورت گرفته از سوی دولت‌ها غالباً بر تنبیه و مجازات متخلفان متمرکز بوده است به جای آنکه بر پیشگیری از بروز فساد و فرهنگ‌سازی تأکید داشته باشد.

۴ رویکردهای اساسی پیشگیری از فساد

همان‌طور که مارک سینجر در کتاب *مدیریت منابع انسانی* خود آورده است؛ برای بیشتر سرپرست‌ها و مدیران، تأدیب کارکنان، تکلیف سنگین و شاقی است. هدف تأدیب، پرورش و قوت بخشیدن به رفتارهای مثبت و مطلوب کارکنان و پیشگیری از بروز رفتارهای نادرست است که این موجب پیشبرد اهداف سازمان خواهد شد. مارک سینجر دو روش اساسی و بنیادی را برای تأدیب نام می‌برد. یک روش سنتی، که در تلاش برای متوقف ساختن رفتار نامطلوب بر اقدامات تنبیهی تکیه دارد. روش دیگر، که روش نوین تأدیب نام دارد، به روشی اشاره دارد که تأکید آن بر جلوگیری از وقوع رفتارهای نامطلوب است. هدف این روش، حذف کارکنان خاطی نیست، بلکه پیشگیری از بروز رفتار نامطلوب است (سینجر، ۱۳۷۸).
محققان در زمینه رویکردهای تحقیقاتی متداول در پیشگیری از فساد به چهار گروه اشاره می‌کنند (معدنچیان، ۱۳۸۲).

۱. **رویکرد علمی:** بر مبنای این رویکرد، به مدد شاخه‌های علوم رایج، به ویژه علوم انسانی، به شناخت چستی پدیده فساد، چرایی بروز آن و چگونگی پیشگیری یا مبارزه با آن (بر اساس یافته‌های علمی) پرداخته می‌شود؛

۲. **رویکرد تجربی:** اساس این رویکرد مبتنی بر تحقیقات صورت گرفته قبلی شامل افت و خیزها، ضعف‌ها و قوت‌های حرکت‌های قبلی است تا با بهره‌گیری از تجربه‌های آنها در جهت پیشگیری از وقوع فساد گام بردارد؛

۳. رویکرد ارزشی: در این رویکرد با مراجعه به منابع اسلامی و ملی، مبانی و مصداق‌های پیشگیری و مبارزه با پدیده فساد استنباط، استخراج و بهره‌برداری می‌شود؛
۴. رویکرد تطبیقی: این رویکرد، استفاده از تجربیات دیگر کشورها، سازمان‌های فراملی و منطقه‌ای و بین‌المللی را مورد توجه قرار می‌دهد.

در این مقاله سعی شده با تلفیق رویکرد علمی و ارزشی، دو شاخص مهم برای پیشگیری از فساد یعنی فرهنگ و آموزش عمومی مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، نگارنده ضمن بررسی پژوهش‌هایی در خصوص کشورهای موفق در مبارزه با فساد از جمله مالزی، کره جنوبی، هنگ کنگ و ... از رویکرد تطبیقی نیز بهره برده است.

۵ نقش فرهنگ عمومی در مبارزه با فساد

در سال‌های اخیر به بحث جرم و جرم‌شناسی به ویژه در مقوله فساد به عنوان یک علم جدید نگریسته شده و تمام کشورها به ریشه‌کنی و مقابله با فساد همت گماشته‌اند. بنابراین در وهله اول برای ریشه‌کنی معضلی مانند فساد، ابتدا باید به علل اصلی به وجودآورنده آن توجه و آنها را شناسایی کرد تا بدین ترتیب بتوان مانع رشد آن شد. از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، ریشه بسیاری از پدیده‌های اجتماعی (چه مثبت و منفی) از جمله فساد در فرهنگ جامعه نهفته است. در ادامه تعاریف مهمی از فرهنگ مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نقش آن در پیشگیری از فساد بهتر تبیین شود.

تعاریف و برداشت‌های مختلفی از فرهنگ وجود دارد. این تعاریف را از ابعاد و جوانب مختلفی می‌توان دسته‌بندی کرد:

- ارزشی، دانشی؛

- هنری، عرفانی، علمی و تکنولوژیک؛

- فکری، ارزشی، هنجاری (ابراهیمی، ۱۳۸۶).

با توجه به چنین دسته‌بندی، فرهنگ به معنای وسیع آن عبارت است از: «نظامی از

باورها، ارزش‌ها، رسوم و رفتاری که اعضای جامعه به کار می‌بندند تا خود را با جهانشان و نیز با یکدیگر سازگار سازند و آن را از طریق آموختن از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند» (بیتس و پلاک، ۱۳۷۵).

بنابر تعریف فوق، فرهنگ نه تنها رفتارهای اجتماعی، بلکه شیوه‌های اندیشیدن را نیز دربرمی‌گیرد و انسان‌ها در خلال آموزش فرهنگی خود، یاد می‌گیرند که چه معنایی را باید به رویدادهای جهان اطراف خود و به‌ویژه به رفتارهای دیگران نسبت دهند تا بتوانند این رفتارها و حوادث را فهم کنند و در برابر آن عکس‌العمل مناسبی نشان دهند. بنابراین بسته به نوع آموزش‌ها و خصوصیت‌های فرهنگی هر جامعه، معنای عمل‌های خاص می‌تواند در زمینه‌های فرهنگی متفاوت، تفسیرهای متفاوتی بپذیرد. به‌این ترتیب مفاهیمی که با آموزش‌های فرهنگی در میان افراد هر منطقه و کشوری درونی می‌شود، هویت فرهنگی آن کشور را تشکیل خواهد داد. بر همین اساس، کسانی که دارای مذهب، عقاید، آداب و رسوم و زبان مشترکی هستند، از هویت فرهنگی واحدی برخوردار می‌شوند و اختلاف در میان این ارکان فرهنگی عامل تمایز فرهنگی به‌شمار می‌رود؛ یعنی دیگران و غیره کسانی خواهند بود که وجه مشترکی با این ارکان فرهنگی ندارند (اشرفی، ۱۳۸۰).

شاین تعریفی ارائه می‌کند که جامع و دقیق است؛ از نظر وی فرهنگ عبارت است از: الگوی فرضیات بنیادی مشترک که گروهی آن را آموخته‌اند، زیرا مشکلات گروه را برای تطبیق بیرونی و یکپارچگی داخلی آن برطرف کرده و نحوه کارکرد آن سبب شده که بتوان آن را معتبر نامید؛ بنابراین به اعضای جدید گروه به‌عنوان شیوه صحیح درک، تفکر و احساس مرتبط با آن مسائل آموخته می‌شود.

بنابراین، فرهنگ اساساً انباشت آموخته‌های مشترک مجموعه‌ای از اعضای یک جامعه است. این آموخته‌ها حاصل تعامل گروه با چالش‌های محیط در جریان تکامل و پخته‌تر شدن آن است. در جریان این فرایند، قواعدی به‌دست می‌آید که مکرراً مؤثر بودن خود را اثبات می‌کند و نماینده مجموعه‌ای از فرض‌های مبنایی پنهان است که مشخص

می‌کند جهان چگونه است و چگونه باید باشد. فرض‌هایی که ادراک، اندیشه، احساسات و تا حدی رفتار آشکار را تعیین می‌کنند، به‌عنوان کلیدی برای حل مشکلاتی هستند که در آینده پیش خواهند آمد. اعضای جدید، این فرض‌ها را به‌عنوان بخشی از جامعه‌پذیری خود می‌آموزند و فرهنگ به‌این ترتیب تداوم می‌یابد.

همچنین از بررسی تعاریف ارائه شده برای فرهنگ، می‌توان وجوه مشترک این تعاریف را به شرح زیر استنباط کرد:

۱. فرهنگ تمام ابعاد زندگی اعم از فردی، اجتماعی و نیز مادی و معنوی انسان را دربرمی‌گیرد.

۲. فرهنگ هر قوم یا ملتی کاملاً منحصر به فرد است؛

۳. فرهنگ امری اکتسابی، قابل انتقال و آموختنی است؛

۴. فرهنگ امری پویا و در حال تحول و دگرگونی است؛

۵. فرهنگ ناشی از عوامل زیست‌شناختی، زیست‌محیطی، روان‌شناختی و تاریخ وجود بشر است.

برای مبارزه با فساد زوایای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است، اما شاید نکته مهمی وجود داشته باشد که تاکنون کمتر به آن توجه شده و آن زوایای فرهنگی مقابله با فساد است چرا که راه مبارزه با فساد در عمومی کردن مبارزه با آن است به نحوی که این امر تبدیل به یک فرهنگ عمومی شود.

مودودی درباره تأثیر فرهنگ عمومی بر فساد معتقد است: «عامل مهم دیگری در افزایش یا کاهش فساد، فرهنگ عمومی جامعه است. در جامعه‌ای که مردم آن بر وجدان کاری تأکید دارند، رعایت حق را محترم می‌شمارند، قانون را امری مقدس می‌دانند و اخلاقیات در میان آنها از نفوذ زیادی برخوردار است، قطعاً بروز فساد از سوی هر کسی باشد گناهی نابخشودنی تلقی می‌شود و همه مردم اعم از شهروندان معمولی و یا همکاران کارمند مفسد، عضو فعال سیستم نظارتی شده و هزینه انجام فساد را برای مفسدان بالاتر

می‌برند». وی در ادامه می‌افزاید: «زمینه فرهنگی یک جامعه از جمله مهم‌ترین عامل کاهش یا افزایش فساد در جامعه است. چنانچه نظام باورهای یک جامعه به گونه‌ای نهادینه شود که مادیت اصل قرار گیرد و تمامی هدف حیات، کسب ثروت و قدرت بیشتر باشد، وفاداری مذموم شمرده می‌شود و ثروت و قدرت از هر طریقی که به‌دست آید، موهبتی با ارزش تلقی می‌شود. در جامعه‌ای که انسان در جهان‌بینی آن فاقد ارزش باشد، ارزش‌های انسانی نیز منزلت خود را از دست می‌دهند و اعمال مفسدانه به‌صورت هنجار و ارزش اجتماعی تجلی پیدا خواهد کرد» (مودودی، ۱۳۸۱).

در برخی از فرهنگ‌ها، شهروندان دارای این دیدگاه هستند که افشای فساد همشهریان برای آنها لکه ننگی به حساب می‌آید. باید برای شهروندان این باور ایجاد شود که این کار آنها در نهایت برای جامعه مفید است و در صورت عدم گزارش فساد، کشور و خود آنها از تأثیرات این فساد در امان نخواهند بود. در واقع باید برای مردم این باور ایجاد شود که افراد در صورت افشای فساد، قهرمانانی خواهند بود که شجاعت این کار را داشته‌اند و باید مورد تشویق قرار بگیرند (United Nations Office on Drugs and Crime, 2004).

از این رو باید اعضای جامعه را تشویق کرد مراقب فساد باشند و هنگامی که آن را کشف کردند به‌موقع اطلاع‌رسانی کنند. در عین حال لازم است پشتیبانی عمومی از سازوکارها و نهادهایی که پاسخ‌گویی را افزایش می‌دهند، انجام شود مانند ملزم کردن نهادهای دولتی به علنی کردن رسیدگی‌های خود و حضور یک رسانه عمومی بی‌طرف برای گزارش و شرح آنها (لانگست و دیگران، ۱۳۸۷).

در نتیجه، این اعتقاد عمومی وجود دارد که ضعف فرهنگ، عامل اصلی بروز فساد است. فرهنگ ضعیف علاوه بر عامل بودن در زمینه بروز انحراف با اشاعه فحشا ضمن استمرار وضع موجود، خود را به‌صورت فرهنگ رایج و مسلط درمی‌آورد. همین امر سبب می‌شود نه تنها دوری جستن از انواع فساد پسندیده نباشد بلکه گرایش به آنها نیز همچون یک هنجار مورد تأیید افراد جامعه قرار گیرد.

۶ تأثیر آموزش عمومی در مبارزه با فساد

از آنجا که فقر اقتصادی و فقر علمی و آموزشی دو عامل بسیار اساسی در پیدایش فساد به‌شمار می‌آیند و به‌ویژه فقر علمی و آموزشی که خطرناک‌تر به‌نظر می‌رسد؛ از این‌رو افزایش سطح آگاهی عمومی نسبت به آثار زیان‌بار و متعددی که فساد اداری بر زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه می‌گذارد و ایجاد درک عمومی برای مبارزه با فساد از جمله طرق مطلوبی است که می‌تواند به گسترش تقاضا برای مبارزه با فساد کمک کند.

هیچ‌وقت دو جامعه مثل هم نیستند و شناسایی پیام و مخاطبان تا حدود زیادی متفاوت است. با این حال در مبارزه با فساد باید بر آموزش مردم درباره ماهیت واقعی و پیامدهای آن به‌منظور تضمین شناسایی به‌موقع و بسیج مخالفت عمومی در برابر آن تمرکز شود. در میان عموم مردم می‌توان گروه‌های زیادی را با توجه به موقعیتشان با پیام‌های خاص یا به‌وسیله رسانه‌های خاص هدف قرار داد. به‌عنوان مثال، شهروندان خاصی که از تشریفات اداری مخصوصی استفاده می‌کنند می‌توانند اطلاعاتی را درباره معیارهای رفتارهای اخلاقی مطلوب دریافت کنند و درعین حال، مأموران دولتی استخدام شده نیز همان مطالب را به همراه اطلاعات بازدارنده درباره اموری همچون نظارت‌های حسابرسی و سایر ضمانت‌های اجرایی که ممکن است اعمال شوند، دریافت کنند (همان).

یکی از نکات کلیدی در مبارزه با فساد این است که دولت و نهادهای وابسته به آن به تنهایی قادر به از بین بردن فساد در جامعه نیستند. مردم نیز باید از این موضوع اطلاع کافی داشته باشند و آموزش ببینند. این کار در بسیاری از کشورهای موفق در مبارزه با فساد از جمله کره جنوبی و مالزی انجام شده است. دولت کره جنوبی برای تغییر ذهنیت مردم نسبت به فساد، برنامه‌های آموزشی ضدفساد را اجرا کرده است. این برنامه‌ها ذهنیت شهروندان و مأموران دولتی را درباره فساد تغییر می‌دهد. برنامه‌های آموزشی ضدفساد در مؤسسات آموزشی دولتی، دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز فرهنگی تدوین و پیاده می‌شوند.

علاوه بر این، برنامه‌های تبلیغاتی ضد فساد با استفاده از رسانه‌های مختلف مانند پوستر، نوار ویدئویی، تابلوهای الکترونیکی، روزنامه، تلویزیون و اینترنت نیز اجرا می‌شود (بزرگ اصل، ۱۳۸۰). در مالزی نیز مؤسسه‌ای به نام مؤسسه ضد فساد فعالیت می‌کند و تنها سازمانی است که در این کشور مسئولیت بررسی و پیگیری تمام موارد مربوط به فساد اداری را برعهده دارد. یکی از مهم‌ترین وظایف این مؤسسه، آموزش عمومی و ترویج مشارکت مردمی در شناخت، پیشگیری و مبارزه با فساد است. این آموزش‌ها از طریق برنامه مدارس، رادیو، تلویزیون، مطبوعات، فیلم، سمینارها و دوره‌های آموزشی برای گروه‌های مختلف اجتماعی و کارکنان سازمان‌ها به‌طور مستمر برگزار می‌شود (رضایی، ۱۳۸۶).

کشور هنگ‌کنگ نیز با تشکیل کمیسیون مستقل مبارزه با فساد، مردم این کشور را بیش از ۲۵ سال آموزش داده است و فقط در سال ۱۹۹۸ با هدف برگزاری ۲۷۰۰ کارگاه آموزشی برای سازمان‌های دولتی و خصوصی و سایر برنامه‌های آگاهی‌بخش، نود میلیون دلار هزینه کرده است (بهره‌مند بگ‌نظر، ۱۳۸۷).

بررسی گروه تحقیقاتی بارنا در ایالت کالیفرنیا در خصوص رسوایی‌های مالی آمریکا نشان می‌دهد که در زمینه راهکارهای جلوگیری از این گونه فسادها آنچه بیشتر مورد توجه قرار گرفته آموزش کودکان و انتقال ارزش‌های مناسب به آنها از طریق خانواده است. در این تحقیق ۷۲ درصد بزرگ‌سالان معتقد بودند اگر والدین چنین آموزش‌هایی را به فرزندان بیاموزند می‌توان از فسادهای دامنگیر جامعه آمریکا پیشگیری کرد (خوشکار، بی‌تا).

چنانچه اشاره شد، در برنامه‌های آموزش عمومی باید از رسانه‌های دیداری و شنیداری و همچنین مکتوب از جمله روزنامه‌ها، مجلات، پوسترها به‌ویژه در مناطق پرجمعیت استفاده کرد. استفاده از جملات کوتاه و عبارت‌هایی که به‌سادگی در ذهن باقی می‌ماند در افزایش آگاهی‌های مردم بسیار مؤثر است.

هنگامی که اصول اساسی مبارزه با فساد تدوین شد، ارائه آموزش را می‌توان از طریق فعالیت‌های مختلف اجرا کرد. یک برنامه ملی قوی مبارزه با فساد باید شامل تعدادی

گزینه‌های بالقوه باشد و همچنین باید رویکرد منعطفی به طراحی و اصلاح طرح‌های ارتباطی داده شود. برخی از ابزارهای ارتباطی برای مبارزه با فساد عبارت است از:

۱. استفاده از رسانه‌های گسترده یا دارای انتشار وسیع مثل رادیو، تلویزیون و رسانه‌های مکتوب برای دسترسی و مخاطب قرار دادن عموم مردم: افرادی که برای این رسانه‌ها اطلاعات فراهم می‌کنند نباید آنها را دستکاری یا تحریف کنند و باید اطمینان دهند که درباره موفقیت‌ها و شکست‌های مبارزه با فساد گزارش خوبی ارائه شده است. برای دسترسی مطلوب به مردم باید به عواملی مانند باسوادی، تدوین مطالب در قالب‌های زبانی و فرهنگی مناسب و دسترسی مخاطبان به امکانات فنی مناسب (مثل تلفن، گیرنده‌های رادیویی یا تلویزیونی و ...) توجه کرد.

۲. استفاده از اینترنت و سایر شبکه‌های رایانه‌ای یا ارتباطی: با استفاده از این ابزارها هم می‌توان پیام‌هایی درباره فساد منتشر کرد و هم می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تشویق و تسهیل گزارش از سوی کسانی که با آن مواجه‌اند، به کار رود. یک مزیت عمده این ابزار، انعطاف‌پذیری رایانه‌ها در تدوین، ذخیره و انتشار اطلاعات است. معایب عمده نیز شامل فقدان دسترسی به رایانه و شبکه‌ها در کشورها و گروه‌هایی از مردم و نیاز به معیارهای اساسی مهارت فنی و سواد برای به کار بردن آنهاست. با این حال شواهد نشان می‌دهد که چنین مشکلاتی در حال رفع است.

۳. استفاده از همایش‌ها، نشست‌ها یا کارگاه‌هایی برای افراد ذی‌نفع اصلی: این روش پرهزینه و زمان‌بر است، اما امکان بهره‌برداری از منافع، بررسی دقیق مطالب ارائه شده و ارتباط متقابل شرکت‌کنندگان را فراهم می‌کند. می‌توان از این نشست‌ها برای گزارش برنامه‌های ضدفساد و نظرخواهی از افراد برای اقدامات آتی استفاده کرد.

۴. تولید مطالب در رسانه‌های تخصصی، مجلات دانشگاهی یا حرفه‌ای: این عمل باعث کاوش دقیق‌تر مسائل مربوط به فساد خواهد شد. مطالبی که متوجه گروه‌های دانشگاهی و حرفه‌ای است باید به گونه‌ای تدوین شود که هم اعضای گروه را آموزش دهد و هم به آنها

در آموزش دیگران برای مقابله با فساد کمک کند. برای متخصصان دانشگاهی اهمیت دارد که هم به عنوان منبعی برای مشاوره در سیاستگذاری و تحلیل و هم در مقام ناظران شایسته خارجی در طرح‌های دولت به راهبردهای ملی ضدفساد کمک کنند (لانگست و دیگران، ۱۳۸۷).

آموزش مسائل فرهنگی از جمله برخورد قاطع با فساد از طریق گروه‌های مختلفی انجام می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت است از: خانواده، گروه همسالان، مدرسه، دانشگاه، رسانه‌های جمعی، گروه‌های شغلی و گروه‌های دینی. در این میان، نقش خانواده بااهمیت‌تر است و در مرتبه بعدی، مدرسه و گروه همسالان وجود دارد. باورهای کودک در دوران کودکی هماهنگ با باورهای خانواده است. این باورها هرچند تحت تأثیر مدرسه قرار می‌گیرد، اما اغلب از هماهنگی و پایداری خاصی برخوردارند. اما در این میان نباید از نقش مهم مدارس، دانشگاه‌ها و نهادهای مذهبی غافل شد.

نهادهای آموزشی هر جامعه از جمله آموزش و پرورش و آموزش عالی می‌توانند در انتقال مفاهیم ضدفساد به دانش‌آموزان و دانشجویان بسیار مؤثر باشند. گنجاندن مطالب آموزشی به بالا بردن آگاهی این افراد از فساد و ماهیت و پیامدهای آن - که ممکن است بر یک جامعه تأثیر بگذارد - کمک کرده و می‌تواند در پیشگیری از فساد نقش عمده‌ای ایفا کند. محتوای این آموزش می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- اینکه خود این افراد رشوه نپردازند؛

- وقوع فساد را به مراجع ذیصلاح گزارش دهند؛

- ارزش‌های درست را به سایر افراد بیاموزند (بهره‌مند بگ نظر، ۱۳۸۷).

علاوه بر این نهادها، نهادهای آموزشی غیررسمی مانند نهادهای مذهبی نیز می‌توانند این پیام‌ها را به مخاطبان خود برسانند. نکته قابل توجه اینکه اگر چنین پیام‌هایی در دوران کودکی به درستی آموخته شود، تأثیر بسیار مهمی در پیشگیری از فساد خواهد داشت. از این رو، نقش نهادهای آموزشی پیش از مدرسه و خود مدرسه دارای اهمیت بسزایی است.

علاوه بر این خانواده‌ها باید بیاموزند که علاوه بر تعهد به سلامت، بایستی این ارزش‌ها را به کودکان خود نیز آموزش دهند.

نهادهای دولتی نیز می‌توانند برای بالا بردن سطح آگاهی‌های کارکنان خود، کارگاه‌های آموزشی دایر کرده و یا با برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت، آموزش‌هایی را به ماهیت فساد و آثار منفی آن و چگونگی برخورد با آن اختصاص دهند (همان).

برای مبارزه با فساد باید سطح آگاهی‌های مردم را افزایش داد و آنها را برای نظارت بر حوزه‌هایی که ممکن است در معرض فساد قرار گیرند، آموزش داد. از این رو، دولت‌ها موظف‌اند به‌خصوص با استفاده از رسانه‌ها به آموزش مردم برای مبارزه با فساد پردازند. از این رو آموزش مبارزه با فساد می‌تواند در کارایی بیشتر پیشگیری از این پدیده شوم مؤثر باشد.

نتیجه‌گیری و راهکارها

پیش از آنکه بتوان فساد را گزارش داد، ابتدا باید آن را شناسایی کرد. سپس باید عموم مردم و مخاطبان خاص را دربارهٔ عناصر تشکیل‌دهنده و طیف کامل انواع فساد، هزینه‌ها و عواقب واقعی آن و انتظارات نسبت به معیارهای سلامت در سازمان‌های دولتی و مشاغل خصوصی آموزش داد.

بسیاری از مردم درک بسیار کمی از فساد دارند و ممکن است ندانند رفتاری که ملاحظه می‌کنند یا به آن می‌پردازند زیان‌بار است. ممکن است دیگران آن را به‌عنوان یک آسیب تلقی کنند، اما انگیزهٔ لازم را برای هرگونه اقدامی نداشته باشند زیرا این مشکل را شایع و تغییرناپذیر می‌دانند. در محیط‌هایی که فساد نهادینه و پذیرفته است امکان دارد به اقدامات آموزشی قابل توجهی نیاز باشد تا فرهنگ عمومی نسبت به طبیعی یا ناگزیر بودن فساد تغییر یابد و اطمینان حاصل شود که جامعه نسبت به آن نگرش زیان‌بار بودن را دارد (لانگست و دیگران، ۱۳۸۷).

نکته قابل توجه در مبارزه با فساد این است که آن را نمی‌توان از بین برد، بلکه می‌توان

آن را کاهش داد. بررسی‌های به‌عمل‌آمده درباره فساد در سطح جهانی نشان می‌دهد که امروزه فساد در دستگاه‌های اداری روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود و به شکلی نظام‌مند به‌وقوع می‌پیوندد. بنابراین مبارزه با فساد نیز باید با اتکا به راه‌حل‌های جامع، نظام‌یافته و مستمر باشد. تا زمانی که علت‌ها باقی هستند معلول‌درمانی و برخورد با افراد متخلف به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند در کاهش آمار فساد مثمر‌ثمر باشد، بلکه باید به‌طور هم‌زمان ریشه‌های فساد را خشکاند و با متخلفان برخورد مناسب کرد. فرهنگ قوی که تعهد اکثریت اعضای جامعه را به‌طور گسترده به باورها و ارزش‌ها بیان کند در کنار برنامه‌های آموزش عمومی در جهت آگاه‌سازی بیشتر اذهان مردم می‌تواند عوامل خوبی برای پیشگیری از فساد در هر جامعه‌ای باشند. در ادامه به برخی از راهکارهای فرهنگی برای مبارزه با فساد اشاره می‌شود:

- ترویج فرهنگ وظیفه‌شناسی و وجدان کاری؛
- آگاه ساختن مردم به قوانین، مقررات و حقوق شهروندی؛
- برگزاری دوره‌های آموزش‌های مقابله با فساد به‌ویژه در سازمان‌ها؛
- مشارکت‌های مردمی، پاسخ‌گویی، شفافیت و ترویج فرهنگ خودکنترلی؛
- توسعه سطح فرهنگ جامعه با نگرش توسعه علمی و آگاهی عمومی از مشکلات گسترش فساد و تکیه بر گسترش نظارت‌های همگانی و مردم‌نهاد؛
- افزایش آگاهی مردم در خصوص برنامه‌ها و دستاوردهای مبارزه با فساد؛
- احیا و آموزش ارزش‌های اخلاقی در جامعه؛
- تقویت فرهنگ مسئولیت‌خواهی در مردم؛
- ایجاد حساسیت در جامعه نسبت به ترویج معیارهای اخلاقی و انضباطی.

منابع و مأخذ

- «توسعه جهانی در سال ۱۹۹۷، نقش دولت در جهان در حال تحول» (۱۳۷۸). مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ابراهیمی، سیدابراهیم (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی مهندسی فرهنگی در دانشگاه»، فصلنامه *دانشگاه اسلامی*، ش ۳۶.
- اشرفی، اکبر (۱۳۸۰). «هویت فرهنگی در عصر مشروطه»، فصلنامه *پژوهش*، ش ۲۲ و ۲۳.
- بزرگ‌اصل، موسی (۱۳۸۰). «فساد، مهار از سرچشمه»، روزنامه *نوروز*، ۹ بهمن.
- بهره‌مند بگ‌نظر، حمید (۱۳۸۷). «نقش جریان آزاد اطلاعات در پیشگیری اجتماعی از فساد»، *مجلس و پژوهش*، سال چهاردهم، ش ۵۸.
- بیتس، دانیل و فرد پلاک (۱۳۷۵). *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- خداداد حسینی، سیدحمید و محسن فرهادی‌نژاد (۱۳۸۰). «بررسی فساد اداری و روش‌های کنترل آن»، *فصلنامه مدرس*، ش ۱.
- خوشکار، بهروز (بی‌تا). *فساد مالی قدرتمندان ناشی از تربیت غلط خانوادگی است*.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۴). «استراتژی مبارزه با فساد: آیا فناوری اطلاعات فساد اداری را کاهش می‌دهد؟»، *فصلنامه مدرس*، ش ۲.
- رضایی، نورالدین (۱۳۸۶). «بایدها و نبایدهای مبارزه با فساد؛ بررسی اقدامات انجام‌شده برای مبارزه با فساد در مالزی»، *بانک و اقتصاد*، ش ۸۲.
- سینجر، مارک ج. (۱۳۷۸). *مدیریت منابع انسانی*، ترجمه فریده آل‌آقا، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- عباس‌زادگان، سیدمحمد (۱۳۸۳). *فساد اداری*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- فرج‌پور، فرامرز (۱۳۸۳). *موانع توسعه: بررسی فقر، تبعیض و فساد*، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چ ۱.

لانگست، پیتر و دیگران (۱۳۸۷). *برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد*، ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی و حمید بهره‌مند بگ‌نظر، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

محمودی، مهدی (۱۳۸۴). «نقش فرهنگ سازمانی در پیشگیری از بروز فساد اداری»، ماهنامه تدبیر، ش ۱۶۰.

معدنچیان، ابراهیم (۱۳۸۲). *مبارزه با فساد اداری*، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره).

مودودی، ابوالقاسم (۱۳۸۱). «تحلیل جامعه‌شناختی از علل و چگونگی فساد اداری و راه‌های مقابله با آن»، روزنامه همبستگی، ۲۸ اردیبهشت.

Sougata, Mukherjee (1997). "Open Markets Lead to Corruption", *South Florida Business Journal*, Vol. 18. Issue 5.

United Nations Office on Drugs and Crime (2004). *Global Program Against Corruption*, UN Anti-corruption Toolkit, Vienna, United Nations Office on Drugs and Crime, Third Edition.

World Bank (1994). *Helping Countries Combat Corruption, the Role of the World Bank*, Washington DC.